Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, Vol. 21, No. 1, Spring 2024, Serial Number 47

The Social Construction of Post-Traditional Divorce: A Qualitative Study of Women Applying for Divorce in Tabas City (2021-2023)

Ahmed Kalateh Sadati[1]
Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Zainab Sabohi Golkar
PhD Candidate in Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Received: 29 July 2023 ***Revised: 27 November 2023*** ***Accepted: 7 December 2023***

Doi: 10.22067/social.2023.83676.1395

Abstract
Among various social issues, divorce remains a significant concern in the country. In contrast to previous theoretical and evidence-based approaches, it appears that in the rising divorce rates is driven by new and diverse factors with distinct implications. This research aims to explore and analyze the reasons behind divorce among women seeking separation in Tabas city. The study was conducted from March 2021 to June 2023 using a qualitative method, and data was collected via interviews with 24 participants selected using purpose sampling method. Data analysis was conducted using the grounded theory. The findings reveal that divorce primarily stems from multifaceted family instability and self-centeredness, along with contributing factors including the breakdown of perceived sanctities, conflicts, and legal interventions. The major factors influencing divorce include the ease of divorce procedures, lack of support from counseling centers, and feelings of panic and vulnerability. The central theme identified in the study is post-traditional divorce, highlighting the growing feminization of divorce and the prevalence of female-initiated divorces in the studied society. Post-traditional divorce signifies an overshadowing of past grievances. and reasons in divorce requests which is accompanied with significant shifts in beliefs and norms of family dynamics among participants. Women involved in the study are reshaping notions of family, challenging traditional roles and identities, and redefining women's roles, rights, and expectations beyond conventional family boundaries. This embodies a critical concern in contemporary Iranian society. Therefore, there is a need for further theoretical study and the expansion of research on the findings of this study. The profound social changes brought about by modernity, globalization, and cultural shifts have significantly altered perceptions of family structures, urging researchers to delve deeper into these issues in future studies.

Key Words: Family, Feminization, Self-centeredness, Post-traditional Divorce

1. Corresponding Author, Email: asadati@yazd.ac.ir

Doi: 10.22067/social.2023.83676.1395

مقالهٔ پژوهشی

برساخت اجتماعی طلاقِ پساسنت؛ مطالعه‌ی کیفی زنان متقاضی طلاق در شهر طبس (۱۴۰۰-۱۴۰۲)

احمد کلاته ساداتی (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، نویسندهٔ مسئول)
asadati@yazd.ac.ir

زینب صبوحی گلکار (دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران)
zeinab.saboohi98@gmail.com

چکیده

افزایش نرخ طلاق، یک مسئله اجتماعی است. با وجود رویکردهای نظری و مطالعات مبتنی بر شواهد در گذشته، به نظر می‌رسد که این افزایش، دلایلی متفاوت، نوظهور و بسترمند دارد. هدف تحقیق حاضر، کشف و واکاوی این موضوع، در میان زنان متقاضی طلاق در شهر طبس است. مطالعه از اسفند ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۲ به روش کیفی و ضمن مصاحبه با ۲۴ مشارکت‌کننده که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند، انجام گرفت. تحلیل داده‌ها به روش نظریه زمینه‌ای انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری طلاق، تزلزل چندبعدی در خانواده از یک طرف و خودمحوری افراد از سوی دیگر است. عوامل زمینه‌ای، شامل فروپاشی حرمت‌های مفروض، بروز تعارضات و نیز اقدام به استفاده ابزاری از قانون می‌شود. عوامل مداخله‌ای نیز عبارتند از: تسهیل‌شدگی طلاق، هراس‌گریزی و ضعف مراکز مشاوره. پدیده هسته، عبارت است از ***طلاقِ پساسنت*** که نشان‌دهنده زنانه شدن طلاق و غالب شدن دلایل زنانه بر این امر در بستر مورد مطالعه است. طلاقِ پساسنت به‌معنای کمرنگ شدن دلایل و آسیب‌های گذشته در تقاضای طلاق است. افزون بر آن، گویای تغییرات بنیادین در باورها و هنجارهای مشارکت‌کنندگان درباره خانواده و سازوکار آن است. زنان مشارکت‌کننده، در حال بازتولید مفاهیم جدیدی از خانواده هستند که هویت و نقش سنتی و سازوکارهای زنان را در خانواده، به چالش کشیده و تعاریف جدیدی از نقش، حقوق و انتظارات زنان را به‌همراه دارد. تعاریفی که ورای مرزهای مرسوم خانواده است. موضوعی که مهم‌ترین مسئله خانواده در جامعه امروز ایران است. بنابراین، نیاز به تدقیق

نشریهٔ علوم اجتماعی دانشگاه‌فردوسی‌مشهد، سال بیست‌ویکم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۷، صص۲۰۵-۱۷۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶

نظری و مطالعات بیشتر ناظر به یافته‌های تحقیق حاضر است. مدرنیته، جهانی شدن و تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه، به تغییرات عمیق و وسیعی در نگرش به خانواده انجامیده است و تمرکز مطالعات آتی بر این موضوعات در حوزه خانواده پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: خانواده، زنانه شدن، خودمحوری، طلاقِ پساسنت

۱. مقدمه

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد فرهنگی و اجتماعی، پایدارترین اثرگذاری را بر اعضای خود دارد، به گونه‌ای که نگرش‌ها، رفتارها، باورها و عواطف افراد عمیقاً تحت تأثیر بستر خانواده است (آماتو[1] و کیت[2]، ۲۰۱۱). خانواده همچنین مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری اعضای جامعه به شمار می‌رود، اگر در بنیان‌های این نهاد اجتماعی، خللی ایجاد شود و یا از هم کاسته شود جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد بود. (قدرتی و حسنی، ۱۷۱، ص. ۱۳۹۴).

در دهه‌های گذشته خانواده به شکلی فزاینده در معرض تهدید قرار گرفته است و به‌تدریج با تنزل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی، عاطفی خانواده، اعضای آن نسبتاً احساس رضایتمندی خود را از دست داده‌اند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و مواردی مانند افزایش طلاق شده است (فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰، ص. ۱۴). طلاق مهم‌ترین شاخصه آشفتگی زوجین و تبلور آسیب عمیق ازدواج و خانواده است (آماتو، ۲۰۰۱). رضایت زناشویی به‌آسانی قابل دست‌یابی نیست و بیشتر زوجینی که از هم جدا شده‌اند و یا طلاق می‌گیرند ابتدا، یک دوره آشفتگی رابطه را تحمل و سپس به جدا شدن فکر می‌کنند؛ بنابراین، طلاق فرایندی است که با توجه به بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با کوشش برای حل تعارض ازطریق ورود به موقعیت جدید با نقش و سبک زندگی جدید پایان می‌یابد (گاتمن[3] ۱۹۹۳، به نقل از کشاورز افشار و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۳۳).

---

1. Amato
2. Keith
3. Gottman

طلاق در آغاز یک پدیده روانی–اجتماعی است؛ زیرا بر تعدیل روانی نه‌تنها دو انسان بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان اثر می‌گذارد؛ دوم آنکه پدیده‌ای است اقتصادی؛ چراکه به گسست خانواده به‌عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد و برهم خوردن تعادل روانی انسان‌ها، اثرات سهمگینی را در حیات اقتصادی آنان فراهم می‌کند؛ سوم آنکه طلاق پدیده‌ای است مؤثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه؛ زیرا از طرفی برکمیت جمعیت تأثیر می‌گذارد؛ چراکه تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل، یعنی خانواده را از هم می‌پاشد؛ از طرفی دیگر، بر کیفیت جمعیت اثر دارد؛ چون موجب می‌شود فرزندانی محروم از نعمت خانواده تحویل جامعه داده شود؛ چهارم آنکه طلاق یک پدیده فرهنگی است. از دیدگاهی دیگر طلاق یک پدیده ارتباطی است. در جامعه‌ای که فاقد ارتباط سالم، درست و طبیعی است، پیوند یا رابطه زناشویی نیز از این امر مستثنی نیست. پیوندهای ازدواج به‌زودی برقرار می‌شوند و به‌زودی قطع می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص. ۳).

مروری بر وضعیت طلاق‌های قانونی براساس اطلاعات سالنامه کشور و گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور نشان می‌دهد که تعداد طلاق در کشور از حدود ۶۰ هزار مورد در سال ۱۳۸۰به ۹۴ هزار مورد در سال ۱۳۸۵ و ۱۴۳ هزار مورد در سال ۱۳۹۰، ۱۷۵ هزار مورد در سال ۱۳۹۵ و ۱۸۴ هزار مورد در سال ۱۳۹۹ و ۲۰۱ هزار مورد در سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کرده است. افزایش آمار طلاق از رشد برخی آگاهی‌های اجتماعی و وقوع برخی تغییرات در جامعه خبر می‌دهد که می‌توان به خروج عقل جمعی از فهم سنتی، علاقه‌مندی به دست‌یابی به حقوق فردی و اجتماعی، پذیرش طلاق و مواردی دیگر اشاره کرد (تنهایی و همکاران، ۱۳۸۷). نتیجه این امر، این است که ازدواج‌ها بیشتر در معرض طلاق و خانواده‌ها بیشتر در معرض ازهم‌پاشیدگی قرار گرفته‌اند (سرایی، ۱۳۸۵).

پژوهش‌های زیادی درباره طلاق انجام شده است؛ اما نکته مهم، کیفیت و دلایل فرایند طلاق است؛ یعنی طلاق پدیده مقطعی نیست که به‌طور ناگهانی روی دهد، بلکه فرایند یا فرایندهایی در متن خانواده جریان دارد که در شکل‌گیری طلاق و تصمیم نهایی فرد تأثیرگذار هستند؛

بنابراین، شناخت این فرایندها برای شناخت پدیده طلاق اهمیت دارد. این شناخت امکان مداخله به‌موقع به‌منظور پیشگیری از طلاق را برای هریک از زوجین، خانواده‌های زوجین، روانشناسان و مددکاران در سطح خرد و برای جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران در سطح کلان فراهم می‌کند (فولادیان و شجاعی قلعه‌نی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۲)؛ بنابراین، با توجه به مشاهده تغییرات و تأثیرگذاری آن بر نهاد خانواده و افزایش آمار طلاق و اهمیت روزافزون پژوهش‌های کاربردی درباره پدیده طلاق، برای اعمال مداخلات و سیاست‌گذاری‌های لازم در جهت حفظ بنیان خانواده و کاهش طلاق بر آن شدیم تا به صورتبندی طلاق بپردازیم. هدف تحقیق حاضر، واکاوی موضوع میان زنان متقاضی طلاق است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که صورت‌بندی طلاق در بستر در حال تغییر چگونه است؟ و پرسش‌های فرعی‌تر این پژوهش آن است که چه شرایط علی موجب اقدام به طلاق می‌شود؟ با توجه به تغییرات جامعه، آیا علل جدیدی نیز در این فرایند مطرح است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲. ۱. پیشینه تحقیق

مروری بر ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که مطالعاتی درباره فرایند و شکل‌گیری طلاق انجام شده است که در مطالعات داخلی این پژوهش‌ها عوامل علی، مداخله‌ای، زمینه‌ای و پیامدهای متفاوتی را برای بررسی فرایند طلاق اشاره کرده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. پیشینه پژوهش (پژوهش‌های داخل کشور)

	حسینی و کلانتری (۱۴۰۱)	رضایی‌نسب (۱۴۰۰)	خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۹)	احدی و همکاران (۱۳۹۹)	آخوندی و همتی (۱۳۹۸)	شاه‌بختی و همکاران (۱۳۹۸)	قدرتی و حسنی (۱۳۹۴)
مشخصات پژوهش‌های داخلی	فرایند تصمیم‌گیری برای طلاق در دوران	شکل‌گیری طلاق در بین زنان	تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق یک	تدوین الگوی مفهومی عوامل	مطالعه زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری	طراحی مدل مفهوم خانواده در زوجین	بازسازی معنایی تجربه فرایند

	حسینی و کلانتری (۱۴۰۱)	رضایی‌نسب (۱۴۰۰)	خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۹)	احدی و همکاران (۱۳۹۹)	آخوندی و همتی (۱۳۹۸)	شاه‌بختی و همکاران (۱۳۹۸)	قدرتی و حسنی (۱۳۹۴)
	کرونا: یک مطالعه گراندد تئوری	مطلقه شهر ایلام	پژوهش کیفی	شکل‌دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی: یک مطالعه داده‌بنیاد	فرایند طلاق مورد مطالعه: شهر مشهد	متقاضی طلاق براساس نظریه داده‌بنیاد	منتهی به طلاق در میان زنان مطلقه شهر مشهد با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی
شرایط علی	افزایش تعاملات زوج در دوران کرونا، عوامل اقتصادی (تعطیلی مشاغل و نبود شغل در کرونا)، عوامل اخلاقی-رفتاری (الگوی ارتباطی ناسالم)	شرایط تنش‌زا	ازدواج نامطلوب، خشونت، پیمان‌شکنی زناشویی و ارتباط ناکارآمد	پیشایندهای فردی و تعاملی	سردی در روابط زناشویی، عوامل شخصیتی، پنهان‌کاری، بهبود نیافتن زندگی، تغییرات منفی، سوءظن، حس به خیانت، اشتباه در تعیین مصداق و افشای دروغ	دگرگونی ساختاری و ایدئولوژیکی خانواده، تحولات خانواده، مسائل فرهنگی و مسائل اقتصادی	ارتباط فرازناشوی، مصرف رسانه‌ای، ارتباطات ابزارمند، شکاف بین مطالبات و امکانات، مشابه نبودن عادت‌واره‌ها

	حسینی و کلانتری (۱۴۰۱)	رضایی‌نسب (۱۴۰۰)	خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۹)	احدی و همکاران (۱۳۹۹)	آخوندی و همتی (۱۳۹۸)	شاه‌بختی و همکاران (۱۳۹۸)	قدرتی و حسنی (۱۳۹۴)
شرایط زمینه‌ای	عوامل تربیتی و فرهنگی و اجتماعی (نبود آمادگی لازم برای ازدواج) و عوامل اقتصادی (فقر، گرانی، بیکاری)	بستر اقتصادی، بستر فرهنگی، کژکارکردی خانواده‌ها	خانواده ناکارآمد، موقعیت اقتصادی و اجتماعی و مشکلات جنسی و روانی و پزشکی زوجین	موانع طلاق فردی، اجتماعی و خانوادگی و راهبردهای مقابله با موانع؛ راهبردهای راه حل‌آفرین و مشکل‌آفرین	زمینه‌ها و بسترهای روانی، شخصیتی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی	نابسامانی خانوادگی، وجود نداشتن تعامل اظهاری، داشتن تعاملات ابزاری و بی‌توجهی به بعد پیامدی دین	بستر فرهنگی مردسالار، میزان دریافت حمایت‌های اجتماعی برای زن
شرایط مداخله‌ای	آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد) و عوامل روانی (طلاق عاطفی، ترس‌ها، استرس‌ها و اضطراب‌ها) و عوامل اخلاقی و رفتاری (خشونت و	نبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی، ناهمسان همسری، فشار هنجاری، زیست دوگانه	ضعف راهبردهای مقابله‌ای زوجین، عوامل فرازوجی موثر بر طلاق و باورهای ناکارآمد	عوامل خانوادگی و فرهنگی- اجتماعی	دخالت اطرافیان، ازدواج اجباری، نارضایتی والدین در ازدواج، شفاف‌سازی حقایق، ناکامی در آرزوها، تصمیم برای	برخوردار نبودن از مهارت زندگی، فرهنگ نادرست از تکنولوژی مدرن و تفکیک نکردن حوزه خصوصی و عمومی خانواده	خاستگاه فرهنگی- اجتماعی، میزان استفاده مرد از رسانه‌های نوین

	حسینی و کلانتری (۱۴۰۱)	رضایی‌نسب (۱۴۰۰)	خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۹)	احدی و همکاران (۱۳۹۹)	آخوندی و همتی (۱۳۹۸)	شاه‌بختی و همکاران (۱۳۹۸)	قدرتی و حسنی (۱۳۹۴)
	نبود تعهد و پایبندی) راهبردهای به‌کارگرفته‌شده: عوامل روانی و عوامل اخلاقی رفتاری				جدایی، تنش در خانواده، تعهد، قبح طلاق، هراس، کوشش برای حفظ زندگی، بخشش و اعتقاد به تحصیلات دانشگاهی		
پیامد	پیامد به‌کارگیری راهبرد: سست شدن پیوندهای عاطفی و وابستگی، متارکه زوج، تصمیم‌گیری قطعی برای جدایی و جدایی از فرزند	در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی	ننگ مهر طلاق، تحلیل‌رفتگی، رهایی از استرس و ایجاد سبک زندگی	فردی، خانوادگی و اجتماعی–فرهنگی	اشاره نشده است	اجتناب‌ناپذیری طلاق، آسیب‌های طلاق و از دست دادن حمایت خانوادگی	فرسایش سرمایه اجتماعی، داغ خوردن ازسوی جامعه، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به جامعه، تغییر در باورهای ماورایی و معنوی،

	حسینی و کلانتری (۱۴۰۱)	رضایی‌نسب (۱۴۰۰)	خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۹)	احدی و همکاران (۱۳۹۹)	آخوندی و همتی (۱۳۹۸)	شاه‌بختی و همکاران (۱۳۹۸)	قدرتی و حسنی (۱۳۹۴)
							مواجهه با پیشنهاد برقراری روابط فرازناشوی

جدول ۲. پیشینه پژوهش (پژوهش‌های خارج از کشور)

پژوهشگر	سال	روش پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج
هریس[1] و همکاران	۲۰۲۲	کیفی	تأثیر هویت بر تصمیم‌گیری طلاق: مطالعه نظریه مبنایی	نتایج آن‌ها یک رویکرد تئوری زمینه‌ای را برای درک فرایند درباره طلاق و نقشی که هویت فرد ممکن است در فرایند تصمیم‌گیری ایفا کند، ارائه کرد. شرکت‌کنندگان جنبه‌های مختلفی از هویت خود را در نظر گرفتند، مانند هویت خود به‌عنوان بخشی از ازدواج خود، اینکه چگونه خود را می‌بینند، چگونه معتقدند دیگران آن‌ها را می‌بینند و اینکه آیا تصمیم آن‌ها به طلاق، یک شکست دانسته می‌شود یا خیر.
بل[2]	۲۰۲۰	کیفی	در نظر گرفتن فرزندان و امور مالی در تصمیم‌گیری طلاق	فرزندان و امور مالی نه‌تنها دلیلی برای ماندن در ازدواج هستند، بلکه دلایلی هستند که افراد برای اینکه چرا به ترک ازدواج علاقه‌مند هستند، ارائه می‌دهند. همچنین جزئیات بیشتری از نحوه توجه افراد به فرزندان و مسائل مالی در تصمیم‌گیری طلاق گزارش شده است.
هریس و همکاران	۲۰۱۷	کیفی	جستجوی شفافیت در فرایند	در مورد دو مفهوم وضوح و اطمینان در فرایند تصمیم‌گیری طلاق از شرکت‌کنندگان در تحقیق سؤال کردند که سه موضوع اصلی از داده‌ها پدیدار شد: ۱. وضوح تصمیم برای طلاق یا ماندن در ازدواج

1. Harris
2. Bell

پژوهشگر	سال	روش پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج
			تصمیم‌گیری طلاق	مد نظر است، که نوسان دارد و یافتن آن زمان می‌برد؛ ۲. لحظات محوری می‌توانند وضوح ایجاد کنند؛ ۳. اطمینان در تصمیم نهایی مد نظر است.
فاکرل[1]	۲۰۱۲	کیفی	سرگردانی در بیابان: مطالعه تئوری پایه‌ای در مورد فرایند تصمیم‌گیری طلاق یا آشتی	یافته‌های بیانگر آن هستند که فرایند تصمیم‌گیری برای طلاق یا آشتی می‌تواند آشفته یا گیج‌کننده باشد؛ اما شرکت‌کنندگان احساس کردند که لازم است برای خود و دیگران این روند را تحمل کنند. یک رابطه بد راه مستقیمی را برای طلاق ارائه نمی‌دهد؛ زیرا ازدواج جدا از رابطه، ملاحظات و ویژگی‌های خاص خود را دارد و عوامل مختلفی همچون تأثیرات عاطفی و فیزیکی، فرزندان، دوستی و خاطرات مثبت با همسر، دین و دعا و امید، تعهد به ازدواج، تأیید اجتماعی، حمایت خانواده و دوستان و امور مالی در این امر دخیل هستند.
لانر[2] و بردبری[3]	۲۰۱۲	کمی	چرا ازدواج تازه‌عروس‌های راضی درنهایت به طلاق ختم می‌شود؟	حتی زوج‌هایی که در سال‌های اول بسیار موفق هستند، اگر مبادلات بین فردی آن‌ها به‌خوبی تنظیم نشده باشد، می‌توانند در معرض انحلال بعدی قرار بگیرند و حدس آن‌ها بر این بود که به‌طور متناقض، بسیاری از نقاط قوت این زوج‌ها ممکن است مسئولیت‌های بین فردی قوی آن‌ها را پنهان کند و چالش‌هایی را برای مداخلات آموزشی طراحی‌شده برای کمک به این زوج‌ها ایجاد کند.

مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی انجام‌شده نشان‌دهنده آن است که تحقیقاتی که به‌صورت ویژه در زمینه شکل‌گیری فرایند طلاق انجام شده است، به تعداد بسیار اندکی به روش کیفی بوده است؛ بنابراین، یکی از نوآوری‌های تحقیق حاضر، کاربرد راهبرد کیفی است. نوآوری دیگر تحقیق با توجه به مرور پیشینه، بیانگر آن است که فرایند طلاق یک فرایند مختص و ثابت

1. Fackrell
2. Lavner
3. Bradbury

نبوده و طلاق تحت تأثیر عوامل مختلفی است و در بسترها و زمینه‌های مختلف دارای الگوی متفاوتی از شکل‌گیری است؛ بنابراین، تحقیق حاضر به‌دنبال شناسایی فرایند طلاق در بستر جدید از تحقیقات داخلی صورت‌گرفته؛ یعنی شهر طبس است که یک الگوی بومی برای این شهر ارائه دهد و درنهایت مهم‌ترین نوآوری تحقیق حاضر در این است که این پژوهش به‌دنبال واکاوی فرایند طلاق در دوران گذار از سنت به مدرنیته جامعه ایران است که این گذار با خود تغییراتی را به‌همراه داشته است؛ بنابراین، شناسایی این تغییرات بر فرایند طلاق حائز اهمیت است که تحقیقات پیشین به این امر نپرداخته‌اند.

۲. ۲. چارچوب مفهومی تحقیق

در این تحقیق، از نظریه‌های روابط اجتماعی، شبکه، مبادله و تصورات اجتماعی استفاده شد. مارک نپ[1] برای روابط اجتماعی چرخه‌ای را تعریف می‌کند که نام آن را چرخه حیات روابط اجتماعی گذاشته است. وی معتقد است شکل‌گیری و سپس خاموشی روابط اجتماعی در چرخه‌ای قرار دارد که از لحظه‌ای آغاز شده و سپس رشد می‌کند و به اوج می‌رسد. خیلی از روابط اجتماعی در همین اوج ادامه یافته اما برخی از روابط اجتماعی ناگهان رو به افول گذاشته و به‌تدریج به تضاد و تنش و خاموشی می‌گرایند. هرکدام از اوج‌گیری و خاموشی روابط اجتماعی، در پنج مرحله اتفاق می‌افتد. اولین مرحله افتراق است که هنگامی اتفاق می‌افتد که دو طرف رابطه یا یک نفر از آن‌ها احساس کند که رابطه او با دیگری، او را محدود و محبوس کرده است؛ ازاین‌رو، تصمیم می‌گیرد که خود را از این قید برهاند. مرحله دوم محدود کردن است که در این مرحله طرفین تعداد دفعات ارتباطات خود را کاهش می‌دهند و دیگر اشتیاقی برای ارتباط با طرف دیگر نشان نمی‌دهند. مرحله سوم، مرحله توقف رابطه است که بیانگر افزایش تخریب و تباهی رابطه است؛ اما طرفین بنا به دلایلی برای نگه‌داشت مجدد رابطه می‌کوشند؛ مانند امور اقتصادی و مالی یا به‌دلیل فرزندان. چهارمین مرحله پرهیز از یکدیگر است که طرفین با گریز از

1. Mark knapp

یکدیگر برای کاهش ناراحتی‌های خود می‌کوشند و اغلب جدایی جسمی شکل می‌گیرد و درنهایت مرحله جدایی که هر چقدر رابطه دیرپاتر و ارزشمندتر باشد، به همان میزان، جدایی سخت‌تر خواهد بود (فرهنگی، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۹).

برطبق نظر الیزابت بات[1]، روابط اجتماعی خانواده با جامعه حالت شبکه دارد؛ یعنی هر خانواده با تعدادی از افراد جامعه در تماس است. شبکه روابط بعضی از خانواده‌ها شبکه متصل است؛ یعنی افرادی که خانواده با آن‌ها معاشرت دارند، معاشرتی خانوادگی است، اما شبکه روابط بعضی دیگر از خانواده‌ها شبکه پراکنده یا منفصل است؛ بنابراین، چگونگی تقسیم نقش‌های خانوادگی به نوع شبکه اجتماعی خانواده مربوط می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۳). خانواده‌هایی که تقسیم نقش آن‌ها سنتی است، شبکه روابط آن‌ها متصل است؛ یعنی دوستان، آشنایان و همسایگان این خانواده‌ها یکدیگر را می‌شناسند و به آن‌ها در امور خانگی کمک می‌کنند، اما زن و شوهری که به‌صورت مشارکتی با یکدیگر زندگی می‌کنند، دارای شبکه اجتماعی پراکنده هستند؛ به این معنا که دوستان و آشنایان به زندگی شخصی آنان راه ندارند و همین امر سبب می‌شود، در صورت نارضایتی زمینه برای گرایش به طلاق فراهم شود، اما آنگاه که روابط خویشاوندی، شبکه روابط متصل را ایجاد می‌کند، چون زوجین علاوه بر همسر می‌توانند به خویشاوندان اتکا داشته باشند، کمتر زمینه برای گرایش به طلاق فراهم می‌شود. از این جنبه می‌توان گفت مراوده‌های خویشاوندی می‌تواند یک متغیر در ربط با گرایش به طلاق باشد (مختاری و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۵). نظریه بیان‌شده، جایگاه خانواده را به‌مثابه شبکه‌ای درون‌گروهی و برون‌گروهی از روابط و تعاملات اجتماعی که به استحکام خانواده، فرد و در سطحی کلی‌تر نظام اجتماعی کمک می‌کند، مد نظر دارد.

انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و می‌کوشند در این ارتباط برای خود نفعی به دست آورند. برطبق نظریه مبادله، افراد در مبادله، پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از تبادل را محاسبه می‌کنند و با محاسبه سود و زیان آن، اگر رابطه جذاب باشد وارد آن می‌شوند

---

1. Elizabeth Butt

و گروه‌های دو یا چند نفری تشکیل می‌دهند. زمانی که رابطه مبادله‌ای برقرار شد، افراد سود و پاداش‌های درون‌ذاتی مانند عشق، محبت و احترام و برون‌ذاتی مانند پول و کار جسمانی را مبادله می‌کنند؛ اما ازآنجایی‌که انسان‌ها نمی‌توانند پاداش‌های برابر به یکدیگر دهند، درنتیجه کسی که پاداش‌های مورد انتظار را دریافت نکند، احساس زیان در مبادله می‌کند و به گسست رابطه روی می‌آورد (ریتزر[1]، ۲۰۰۷). برطبق این نظریه، زنان به‌علت تحقق نیافتن انتظارات خود از خانواده، اقدام به طلاق می‌کنند.

جودله[2] (۱۹۸۹) در رابطه با تصور می‌گوید: تصور مانند یک شکل دانستنی قابل اجرا است که فاعل را با موضوعی می‌پیوندد. این پیوند با کنش صورت می‌گیرد. کنش نیز عمل کردن نقش انسان در جامعه است. پس تصور اجتماعی می‌تواند وسیله‌ای باشد که با آن، کنش انسان را هدایت کرده، موقعیت او را در جامعه و درنتیجه عکس‌العمل انسان را در رابطه با مسائلی که در جامعه با آن روبه‌رو می‌شود، مشخص می‌کند (دویس[3] و پالموناری[4]، ۱۹۸۶). زمانی که ما با محیط اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنیم، به دنبال آن، ارتباط، تصورات اجتماعی را می‌سازد و سپس تصورات اجتماعی، روابط بین انسان‌ها را هدایت می‌کند. درواقع، هر تصویری، رفتاری را در پی خواهد داشت. این است که تصورات، چگونگی ارتباط ما را نیز کنترل می‌کند. به همین ترتیب، تصوراتی که انسان‌ها از پیامدهای طلاق دارند، از نظر برخی بسیار ناگوار و از نظر برخی دیگر چندان ناگوار هم نیست و این تصور گرایش هر فرد را به طلاق، متفاوت با دیگری تعیین می‌کند (فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰، ص. ۲۸)

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای است که در سال ۱۴۰۰–۱۴۰۲ در شهر طبس انجام شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش افرادی بودند که درخواست طلاق خود را در

---

1. Ritzer
2. Jodellot
3. Doise
4. Palmonari

سامانه تصمیم ثبت کرده و برای غربالگری طلاق مراجعه کرده و بعد از غربالگری وارد روند مشاوره شده بودند. معیار ورود از آغاز تحقیق تعریف شد: درخواست طلاق باید از جانب زوجه باشد و پرونده نیز وارد روند مشاوره شده باشد؛ بنابراین، به روش نمونه‌گیری هدفمند مطالعه انجام شد. در مرحله بعدی نمونه‌گیری نظری انجام شد. نمونه‌گیری نظری، عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق تحلیلگر به‌صورت همزمان داده‌های خود را گردآوری، کدگذاری، و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آن‌ها را کجا پیدا کند تا به این طریق نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری تدوین کند. نظریه در حال تدوین، فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند. نمونه‌ها در اینجا حکم نمایا و معرف بودن با جامعه آماری را ندارند؛ بلکه از این حیث اهمیت دارند که برای برساختن پدیده مورد بررسی و تدوین نظریه کمک‌کننده هستند (شاه بختی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۲). با معیار قرار دادن اشباع داده‌ها، یعنی زمانی که افراد نمونه، دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند و داده‌ها تکرار شوند. در پژوهش حاضر ۲۴ نفر که در بازه زمانی اسفند ماه ۱۴۰۰ تا خرداد ماه ۱۴۰۲ درخواست طلاق داده بودند، به‌عنوان مشارکت‌کنندگان وارد مطالعه شدند. ۸۳ درصد مشارکت‌کنندگان متارکه کرده بودند؛ ۱۷ درصد آنان مستقل بودند؛ ۴۲ درصد بدون فرزند بودند؛ ۵۸ درصد آن‌ها حداقل دارای یک فرزند بودند؛ ۴۲ درصد مشارکت‌کنندگان مدت زمان زندگی مشترک آنان کمتر از پنج سال بود؛۲۱ درصد، مدت زمان زندگی مشترک آن‌ها بین ۵ تا ۱۰ سال بود و ۳۷ درصد مشارکت‌کنندگان بیشتر از ده سال زندگی مشترک داشتند (جدول ۳)

جدول ۳. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق

شماره مشارکت‌کننده	سن	تحصیلات	تعداد فرزند	وضعیت	مدت زمان زندگی مشترک	شماره مشارکت‌کنه	سن	تحصیلات	تعداد فرزند	وضعیت	مدت زمان زندگی مشترک
۱	۲۳	دیپلم	۱	متارکه	۳ سال	۱۳	۳۹	راهنمایی	۱	متارکه	۶ سال
۲	۴۳	ابتدایی	۵	مستقل	۹ سال	۱۴	۲۷	فوق دیپلم	–	متارکه	۱۰ماه
۳	۴۴	دیپلم	–	متارکه	۲ سال	۱۵	۴۵	راهنمایی	۱	متارکه	۱۹ سال
۴	۳۵	راهنمایی	۳	متارکه	۱۷ سال	۱۶	۳۷	راهنمایی	۳	متارکه	۱۸ سال
۵	۱۷	محصل	–	متارکه	۴ ماه	۱۷	۲۸	راهنمایی	–	متارکه	۶ سال
۶	۴۴	دیپلم	۲	متارکه	۱۳ سال	۱۸	۵۱	راهنمایی	۲	متارکه	۲۱ سال
۷	۳۰	دیپلم	۳	مستقل	۱۰ سال	۱۹	۳۴	لیسانس	۱	متارکه	۹ سال
۸	۳۴	لیسانس	۱	متارکه	۱۲ سال	۲۰	۳۵	راهنمایی	–	متارکه	۱ سال
۹	۲۰	محصل	–	متارکه	۱۱ ماه	۲۱	۳۹	ارشد	–	مستقل	۳ سال
۱۰	۳۵	ابتدایی	۱	متارکه	۱۳ سال	۲۲	۳۷	لیسانس	۲	مستقل	۱۱ سال
۱۱	۳۶	ابتدایی	۲	متارکه	۱۴ سال	۲۳	۱۸	راهنمایی	–	متارکه	۳ سال
۱۲	۲۴	فوق دیپلم	–	متارکه	۱ سال	۲۴	۲۳	دیپلم	–	متارکه	۴ سال

بعد از هماهنگی با مشارکت‌کننده، زمانی برای مصاحبه تعیین شد. داده‌ها به‌صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری شد. مهم‌ترین سؤالات مصاحبه‌ها عبارت بود از: علت طلاق شما چیست؟ چه عواملی موجب شد تا تصمیم به طلاق بگیرید؟ چه اقدامات و چه رخدادهایی

موجب شد تا در تصمیم به طلاق خود جدی باشید؟ چه شرایطی به وجود آمد تا شما فکر طلاق خود را عملی کنید؟ در چه صورت شما از ادامه روند طلاق منصرف می‌شوید یا در چه شرایطی شما زودتر اقدام به طلاق می‌کردید؟ آیا موانعی بر عملی کردن تصمیم شما وجود داشته است؟ تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای اشتروس[1] و کوربین[2] انجام شد. به این منظور، سه مرحله کدگذاری انجام گرفت که عبارتند از: الف) کدگذاری باز که فرایندی تحلیلی است و ازطریق آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند؛ ب) کدگذاری محوری که فرایند ربط‌دهی ابعاد در سطح ویژگی و ابعاد است و درنهایت ج) کدگذاری گزینشی که فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها است (اشتراوس و کوربین ۱۹۹۰). برای اطمینان از پایایی و روایی تحقیق حاضر یا به عبارت دیگر، دقیق بودن یافته‌ها، اقدامات زیر انجام شد:

۱) مناسب بودن نمونه: کوشش پژوهشگران بر آن بود که آزمودنی‌هایی انتخاب شوند که بهترین اطلاعات و دانش را درباره موضوع پژوهش دارند.

۲) حساسیت پژوهشگران: باتوجه به اینکه مطلوبیت تحقیق کیفی، فقط به مطلوبیت پژهشگر کیفی بستگی دارد، پژوهشگران کوشیدند که با حساسیت، انعطاف‌پذیری، خلاقیت و مهارت این پژوهش را انجام دهند.

۳) انسجام روش‌شناسی: کوشش شد تا بین عناصر شیوه پژوهش و سؤالات پژوهش، همسویی لازم برقرار باشد.

درراستای اعتبار نهایی الگوی ارائه‌شده، با توجه به نظرات کرسول[3] (۲۰۱۲) از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیر مشارکت‌کننده در تحقیق استفاده شد؛ به این ترتیب، از یک نفر از استادان گروه جامعه‌شناسی و یک نفر از مشاورانی که درباره طلاق مراجع دارند

---

1. Strauss
2. Corbin
3. Creswell

درخواست شد تا نظرات خود را بیان کنند. پس از دریافت نظرات اصلاحی و اعمال آن‌ها، الگو نهایی تحقیق انجام شد.

۴. یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر براساس تحلیل‌های انجام‌گرفته در کدگذاری نظری، داده‌ها تجزیه و تحلیل شد و در قالب ۱۰ مقوله اصلی، ۲۷ مقوله فرعی و بیشتر از ۱۳۵ مفهوم دسته بندی شد که در مدل پارادایمی به تفکیک؛ شرایط علی، شرایط مداخله‌ای، شرایط زمینه‌ای و پیامدها به آن‌ها اشاره شده است. در جدول (۴) خلاصه مفاهیم و مقولات آمده است.

جدول ۴. مفاهیم، مقولات فرعی و مقولات اصلی مرتبط با دلالت زنان درخواست‌کننده طلاق

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
تزلزل چندبعدی خانواده	تزلزل اقتصادی تزلزل اجتماعی اختلالات مشکلات پهن‌گستر	بیکاری، بی‌مسئولیتی مالی، چشم و هم‌چشمی، ورشکستگی مالی، نگرش ابزاری به همسر، خسیس بودن، برآورده نشدن نیازهای مالی، اختلاف اقتصادی بین زوجین و خانواده‌های آن‌ها، زندانی بودن همسر، خشونت، ضرب و شتم، دخالت اطرافیان، اعتیاد، ارتباط با دوستان ناباب، اختلاف طبقاتی و فرهنگی، مردسالاری، نداشتن مسکن مستقل، نارضایتی از توزیع قدرت، بی‌ثباتی شغلی، خیانت و روابط فرازناشویی، آشکار شدن روابط جنسی قبل از ازدواج، استفاده زیاد از فضای مجازی، اختلالات، نارضایتی جنسی، اختلات جنسی، اختلالات شخصیتی، اختلالات روانی، اختلافات خلقی
خودمحوری	خودمحوری ارزشی تشدید هنجارهای فرا سنت	نداشتن تفاهم در اهداف، درک متفاوت از زندگی، اختلاف در تصمیم‌گیری، تمایل به آزادی و تنهایی، لذت نبردن از زندگی، ازدواج برای به دست آوردن آزادی بیشتر، نرسیدن به خواسته‌ها و آرزوها، تصور متفاوت و آرمانی از ازدواج و نبود آن، جدایی برای لذت بردن بعد از ازدواج، نداشتن علاقه به فرزندآوری، درخواست یا گرفتن مهریه، نپذیرفتن مسئولیت زندگی ازسوی فرد

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
فروپاشی حرمت‌های مفروض	اعتماد نداشتن به یکدیگر، خارج شدن مسائل از چارچوب خانواده، تکرار اشتباه و سوخت فرصت قیاس در زندگی	دروغگویی پیاپی، کلنجار ذهنی درباره یکدیگر، بی توجه بودن به یکدیگر، تهمت‌زدن‌های بسیار، باز شدن مسائل به خانواده‌ها، دخالت والدین برای جدایی، در جریان قرار گرفتن همکاران و دوستان، بخشیدن اشتباه و تکرار شدن آن، مقایسه کردن زندگی خود با دیگران، مقایسه شرایط خود با قبل از ازدواج، نتیجه‌بخش نبودن کوشش برای حل مسائل
بروز تعارضات	علنی شدن تنش و فشارهای زندگی، تشدید تنش‌ها	قهر کردن پیاپی و آشتی کردن، زیر یک سقف نبودن، جدا بودن طولانی‌مدت، حالت روحی نامساعد، خودکشی، افسردگی، اضطراب و استرس طولانی، باز شدن رو به همدیگر، نبود احترام در زندگی و آشکار شدن آن، نبود قوانین و مقرارت در زندگی، ضرب و شتم
اقدامات قانونی	گرفتن وکالت طلاق تشکیل پرونده در مراجع قضایی	گرفتن حق طلاق در پروسه تنش‌دار زندگی، گرفتن حق طلاق قبل از عقد، داشتن پرونده شکایت به دلایل مختلف در نیرو انتظامی مانند خشونت و فحاشی، شکایت به دلیل نپرداختن نفقه، تشکیل پرونده به‌دلیل مهریه، تشکیل پرونده در پزشکی قانونی، تشکیل پرونده در شورای حل اختلاف و دادگاه
تسهیل‌سازی طلاق	جلب رضایت خانوادگی حل موانع اقتصادی و اجتماعی کسب حمایت	کوشش برای همراه کردن همسر در پروسه طلاق، ممانعت فرزندان از طلاق والدین و راضی کردن آن‌ها، اصرار خانواده همسر به ماندن و بی‌تفاوت شدن به آن، ازدواج فامیلی و مانع شدن فامیل از طلاق و جلب رضایت آن‌ها یا بی‌تفاوت شدن به آن، تأمین هزینه‌های زندگی بعد از طلاق، اطمینان از تأمین مسکن مستقل، اشتغال زن، دادن حضانت فرزندان به زن و مکلف شدن مرد به پرداخت نفقه، برآورده شدن نیاز مالی فرزندان بعد از طلاق، استقلال مالی زن، حمایت مالی، بیان دلیل قانع‌کننده برای طلاق، جلب موانع شغلی، پررنگ شدن نقش نفر سوم رابطه برای حمایت مالی و عاطفی
هراس‌گریزی طلاق	غلبه بر ترس خودباوری تأییدپذیری	غلبه بر ترس: ترس از تصمیم درست، حمایت نشدن، اذیت کردن و مزاحم شدن پس از طلاق، حمایت نشدن، آینده فرزندان خودباوری: اعتماد به نفس، توان مواجهه با مشکلات، اتکا به خود و توانایی تنهایی زندگی کردن

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
		تأییدپذیری: تأیید خانواده برای طلاق، تأیید فرزندان برای جدایی، تأیید مثمر ثمر نبودن زندگی ازسوی مشاور و شورای حل اختلاف، تأیید دیگران
ضعف مشاوره	اعتقاد نداشتن به مشاوره همکاری نکردن در مشاوره ضعف مشاور	قبول نداشتن مشاوره برای حل مسائل، مانع طلاق دانستن مشاوره، اعتقاد به مشکل فراتر از توان مشاوره، مفید ندانستن مشاوره، همکاری نکردن یکی زوجین، انجام ندادن تکنیک‌های مشاوره، پیگیری نکردن جلسات مشاوره، سنگین بودن هزینه مشاوره، بی‌رغبتی به جلسات، کم تجربه بودن مشاور، نداشتن تخصص کافی در حیطه مشکل فرد، قبول نداشتن خود مشاور، تجربه مشاوره قبل از اقدام به طلاق در زندگی خانوادگی و ثمر نداشتن آن، نگاه به مشاور به‌عنوان تأیید این تصمیم
چالش‌های پساطلاق	چالش‌های فردی چالش‌های اجتماعی	سوء ظن به ازدواج، تصمیم‌گیری سخت برای زندگی بعدی، زمان‌بر بودن فرایند کنار آمدن با طلاق، مشکلات جنسی و عاطفی بعد از طلاق، حالت روحی آزاردهنده، اعتماد نداشتن به مردان، مشکلات گرفتن نفقه و مهریه، دیدگاه منفی جامعه سنتی به زنان، مزاحمت‌ها برای زنان، نگاه متفاوت به زندگی و ازدواج، مشکلات جسمانی و اجتماعی فرزندان، تنها بودن و تمایل به مجرد زیستن، شکل‌گیری ارتباطات خارج از مذهب و سنت، نگاه به ازدواج به‌عنوان مانع اهداف، اشتغال سخت زنان مطلقه، تأمین مسکن و هزینه‌های زندگی، افزایش خانواده تک‌والدی
حساسیت‌زدایی اجتماعی طلاق	از بین رفتن قبح طلاق نگاه متفاوت به طلاق	از بین رفتن قبح طلاق، طلاق به‌مثابه تصمیم شخصی زندگی، نگاه متفاوت جامعه مدرن به ازدواج و زندگی، حمایت خانواده از طلاق فرزندان، دانستن طلاق به‌عنوان بهترین راه حل

شرایط علی

شرایط علی همان شرایط اولیه‌ای هستند که در پاسخ به این سؤالات مطرح می‌شود: چرا می‌خواهید از همسرتان جدا شوید؟ علت اصلی طلاق شما چیست؟ لطفاً در این باره توضیح دهید.

در پاسخ به این سؤالات دو مقوله گزینشی شکل گرفت: ۱) تزلزل چندبعدی خانواده که به مسائلی اشاره دارد که از گذشته به‌عنوان مسائل اختلاف‌برانگیز یک زندگی زناشویی مطرح می‌شود و در هنگام مطرح شدن آن ازسوی فرد متقاضی طلاق، فردی دیگر معمولاً آن را یک دلیل منطقی می‌داند و آن دلایل خانواده را با گسست و تزلزل مواجه ساخته است و کارکردهای اولیه خانواده را با اختلال روبه‌رو کرده است که عبارتند از:

الف) مسائل و مشکلاتی که نیازهای اولیه یک پیوند زناشویی را پوشش نمی‌دهد، همانند مسائل جنسی و اختلالات مرتبط به آن، مشکلات روانی و شخصیتی و خلقی افراد که ادامه زندگی را برای افراد درکنار یکدیگر با مشکل مواجه می‌سازد.

مشارکت‌کننده شماره ۷: «... وقتی عصبی می‌شه اصلاً دست خودش نیست، هرچی جلوی دستش باشه خورد می‌کنه. هیچی از جهیزیم سالم نذاشته، همش می‌ترسم توی اون لحظه یه چیزی به من برخورد کنه، ضربه‌ای بخورم یا ناقصم کنه ... .»

مشارکت‌کننده شماره۲۲: «از همون اول توی مسائل جنسی با هم مشکل داریم، نسبت به من سرد هست و تمایل جنسی کمی داره ... .»

ب) تزلزل اجتماعی خانواده به مسائلی اشاره دارد که بنیان خانواده با چالش‌هایی مواجه شده است که منشأ اجتماعی داشتن آن در افراد نمود بیشتری پیدا می‌کند و معمولاً با عوامل اجتماعی پیوند می‌خورد که شامل مسائلی همچون اعتیاد، زندانی بودن همسر، مردسالاری و دخالت اطرافیان است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۶: «... سال اولی که با هم عقد کردیم آقا دزد دراومد، به جرم سرقت بردنش زندان. بعد هم که از زندان اومد بیرون، هنوز چند ماه نگذشت دوباره هم رفت زندان بازم علتش دزدی. این اواخر که دیگه از داداشمم دزدی کرده بود و خرید و فروش موادم داشت که رفت زندان ... .»

ج) تزلزل اقتصادی به امور مالی اشاره دارد که در شرایط حال حاضر جامعه و تنگناهای اقتصادی، یک عامل اصلی اختلافات زناشویی و از مشکلات چرخه زندگی است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱: «... صد تا کارعوض کرده و به بهانه‌های مختلف میاد بیرون، زندگی هم آخه خرج داره تا کی روم می‌شه قرض کنم؟ تا کی برم از در مغازه نسیه بردارم؟ »

۲) خودمحوری: مقوله خودمحوری به مسائل جدیدی اشاره دارد که نشان‌دهنده تغییرات اجتماعی، نگرشی و ارزشی افراد جامعه است که با فرهنگ و ارزش‌ها و تفکرات جامعه سنتی همخوانی ندارد و پذیرفته نمی‌شود، ولی در جامعه‌ای که به‌سمت مدرن شدن پیش می‌رود، پذیرش این امور در حال رواج است و افراد آن را عامل اصلی طلاق خود مطرح می‌کنند. معمولاً این عوامل نمود خارجی ندارد و محور آن خود فرد است که این احساس را دارد که انتظارات او از زندگی زناشویی برآورده نمی‌شود، تصورات او از تشکیل خانواده متفاوت بوده و برای خانواده معنای متفاوت‌تر از گذشتگان می‌داند و به‌دنبال رضایت خاطری است که خود فرد ملاک آن را تعیین می‌کند و پایبند به کارکردهای قدیم خانواده نیست و گاهی کارکرد جدیدی چه مثبت چه منفی برای ازدواج برمی‌شمرد.

مشارکت‌کننده شماره ۲۱: «کلاً اهدافمون متفاوت‌تر با هم هست. من یه جوری فکر می‌کنم، اون جور دیگه، من فرزندآوری رو خودخواهی می‌دونم و تمایلی ندارم به بچه، اون خیلی اصرار به آوردن بچه داره ... .» مشارکت‌کننده شماره ۱۸: «... دیگه هرچی زندگی کردم بسمه، تا کی می‌خوام درگیر اون باشم؟ می‌خوام راحت باشم، می‌خوام برم مجردی و خوشگذرانی؛ می‌خوام از چند سال دیگه عمرم لذت ببرم اون‌جورکه خودم می‌خوام ... .»

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای به بستری گفته می‌شود که زمینه اقدام به طلاق در آن شکل می‌گیرد و در پژوهش حاضر شامل سه مقوله اصلی فروپاشی حرمت‌های مفروض، بروز تعارضات و اقدامات قانونی می‌شود. فروپاشی حرمت‌های مفروض به این امر اشاره دارد که دیگر آن چارچوب سابق خانواده برای فرد وجود ندارد و همانند گذشته نمی‌تواند مرزها را تفکیک کند و همچنین حرمت‌هایی که بین زوجین وجود داشته است از بین رفته است و این امر با اتفاقاتی همچون تکرار اشتباه همسر به‌کرات، اعتماد نداشتن به یکدیگر، بررسی سود و زیان زندگی و بیشتر بودن

زیان‌ها از دیدگاه فرد، ماندن به اجبار با پادرمیانی کردن خانواده‌ها، نتیجه‌بخش نبودن کوشش‌ها برای حفظ زندگی، مقایسه کردن زندگی و شرایط بهتر قبلی با حال حاضر و خارج شدن مسائل از چارچوب زندگی پدید می‌آید و هنگامی که اختلافات تشدید می‌شود، تعارضات نیز بروز می‌کنند و زندگی افراد با تنش‌ها، جرو بحث‌ها، ضرب و شتم، قهر و آشتی‌های پیاپی در زندگی، متارکه‌های طولانی‌مدت، نبود احترام و قوانین و مقرارت زندگی همراه می‌شود. این عوامل موجب می‌شود که زمینه برای فرایند طلاق هموارتر و تمایل افراد برای جدایی بیشتر شود. عامل سومی که زمینه را برای شکل‌گیری فرایند طلاق هموارتر می‌کند، وجود اقدامات قانونی افراد است که با تشکیل پرونده در مراجع قضایی بنا به دلایل مختلف همچون، پرداخت نفقه، ضرب و شتم، به اجرا گذاشتن مهریه و گرفتن حق طلاق و یا داشتن آن در ابتدای زندگی است که موجب می‌شود افراد با قرار گرفتن در این روندها، بیشتر به‌سمت جدایی سوق یابند و قدم مهمی برای فراهم کردن فضای اقدام فرد به طلاق باشد.

مشارکت‌کننده شماره ۴: «... خیلی با خودم فکر می‌کنم، می‌بینم این زندگی دیگه به درد نمی‌خوره؛ دیگه خیلی به هم ریختم؛ هر راهی رو که فکر کنید رفتم ولی فایده نداره؛ شررش برام بیشتره؛ بیشتر توی آسیبم؛ روح و روانم بهم ریختس ...»

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: «بارها ازش شکایت کردم، بارها رفتم دادگاه و هر دفعه میومده که پشیمونم، غلط کردم، اشتباه کردم سری اخری که رفتم دیگه گفتم باشه برمی‌گردم، ولی توکه می‌گی دیگه تکرار نمی‌شه، برای اینکه مطمئن شم تکرار نمی‌کنی بیا حق طلاق رو بده، این‌جوری ازش حق طلاق گرفتم، ولی دو ماه خوب بود باز دوباره شروع کرد ... .»

شرایط مداخله‌ای

شرایط مداخله‌ای به شرایطی گفته می‌شود که به‌صورت جدی در شکل‌گیری تقاضای طلاق وجود داشته و روند طلاق را سرعت می‌بخشند. در پژوهش حاضر سه مقوله اصلی شناسایی شد که شامل ضعف مشاوره‌ای، تسهیل‌سازی طلاق و هراس‌گریزی طلاق است.

۱) **ضعف مشاوره‌ای:** مشاوره یکی از عواملی است که بر درخواست طلاق زوجه تأثیرگذار است، به گونه‌ای که اگر جلسات مشاوره مثمر ثمر واقع شود فرد سازش می‌کند و به زندگی خود بازمی‌گردد؛ ولی زوجه‌هایی هستند که درخواست طلاق خود را ثبت می‌کنند و پرونده آن‌ها وارد فاز مشاوره می‌شود ولی به سازش ختم نمی‌شود. چند دلیل باعث عدم سازش در پرونده می‌شود. یکی آنکه مشکل آن‌ها در تخصص و تجربه مشاور نبوده و یا با مشاوره قابل درمان نیست؛ دوم آنکه همسر خانم یا خود زوجه در روند مشاوره همکاری نداشته و از پیگیری کردن جلسات مشاوره و همکاری با مشاور اجتناب می‌کند و سومین دلیل، اصلاً فرد به مشاوره اعتقادی نداشته و برای او پایان راه قبل از مشاوره انجام شده است یا گاهی به دلایل متعددی، افراد برای تأیید اینکه جدا شوند به مشاور مراجعه می‌کنند نه با دید اینکه با جلسات مشاوره اختلافات آن‌ها حل شود؛ بنابراین، پرونده در مرکز مشاوره به عدم سازش یا سازش مشروط ختم می‌شود.

مشارکت‌کننده شماره ۱: «... وقتی من تصمیمم رو گرفتم که از همسرم جدا بشم چه لزومی دیگه به مشاوره هست؟»

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: «دیگه آب از سرم گذشته، کار من دیگه با مشاوره حل نمی‌شه، اصلاً نمی‌خوام دیگه ببینمش چه برسه به اینکه بخوام باهش جلسات مشاوره بیام ... .»

۲) تسهیل‌سازی طلاق: زوجه برای جدا شدن به‌صورت معمول با موانعی روبه‌رو است. اولین مانع برای طلاق، همسر است؛ زمانی که زوج حاضر به طلاق همسر خود نیست. موانع خانوادگی دیگر شامل خانواده‌ها که با جدا شدن زوجین بنا به دلایل متعددی ازجمله آبرو و ... مخالفت می‌کنند و یا خود فرزندان که مانع جدا شدن والدین خود می‌شوند؛ بنابراین، فرد درخواست‌دهنده طلاق، به‌صورت معمول برای جدا شدن به‌دنبال رضایت این افراد است. به غیر از مانع خانوادگی، موانع اقتصادی و اجتماعی همچون شاغل نبودن خانم و چگونگی تأمین هزینه‌های زندگی به‌ویژه زمانی که فرد، حمایت‌کننده‌های قوی در این زمینه نداشته باشد و یا از دست دادن همان

حمایت‌های اندکی که از دیگران دریافت می‌کرده است، نبود شغل یا وجود فرزندان کوچک و گرفتن حضانت آن‌ها و چگونگی سرپرستی آن‌ها و مرتفع کردن نیاز آن‌ها و ... نیز عامل‌های مهمی برای جلوگیری از طلاق افراد به شمار می‌آید. فرد متقاضی طلاق به‌دنبال آن بوده است که این موانع را مرتفع سازد تا روند طلاق را برای خود تسهیل کند؛ بنابراین، بعد از مرتفع‌سازی نیازها، به‌صورت معمول نه حتی کامل، فرد، مصمم برای درخواست طلاق خود می‌شود.

مشارکت‌کننده شماره ۱۵: «... من اگر استقلال مالی داشتم و شغلی داشتم، خیلی خیلی زودتر از اینا ازش جدا شده بودم، من حسی بهش ندارم، وقتی عشقی بینمون نیست به نظرم باید جدا شد؛ ولی خب این روند تصمیم به طلاق برام زمان‌بر بود، چون باید برای بعد طلاق هم تصمیم می‌گرفتم و شرایط رو در نظر می‌گرفتم ... .»

۳) هراس‌گریزی طلاق: یکی دیگر از عوامل مهمی که افراد را برای درخواست طلاق و تصمیم جدی برای طلاق مردد می‌کند، ترس از بعد طلاق است. به همین دلیل افراد به‌دنبال آن هستند که بر ترس‌های خود غلبه کنند و به خودباوری برای ادامه زندگی و کنار آمدن با مشکلات و تأیید دیگران برای این تصمیم برسند؛ بنابراین، هنگامی که متقاضی طلاق در درخواست خود مصمم می‌شود، تا حدودی از ترس‌های خود عبور کرده است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱: «... همیشه می‌ترسیدم از اینکه می‌تونم به تنهایی از پس زندگی بربیام...»

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: «... ترس داشتم که بعد از طلاق نیاد آبروریزی کنه، نیاد مزاحمم بشه....»

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: «... با خودم می‌گفتم این‌همه زن طلاق گرفتن، تونستن زندگی کنن، چرا من نتونم؟»

پیامدها

طلاق پدیده‌ای است که با خود، پیامدهای مختلف در ابعاد فردی و اجتماعی دارد که در پژوهش حاضر دو مقوله اصلی شناسایی شد:

۱) چالش‌های پسا طلاق که به این اشاره دارد که افراد متقاضی طلاق، متوجه این امر هستند که بعد از طلاق با چالش‌های مختلفی ازجمله اعتماد نکردن به مردان، تصمیم‌گیری سخت و یا تمایل به مجرد زیستن، مزاحمت‌های افراد برای زنان مطلقه یا شکل‌گیری روابط خارج از عرف، سختی در تأمین هزینه‌های زندگی و فرزندپروری و موارد دیگر با آن روبه‌رو خواهند بود.

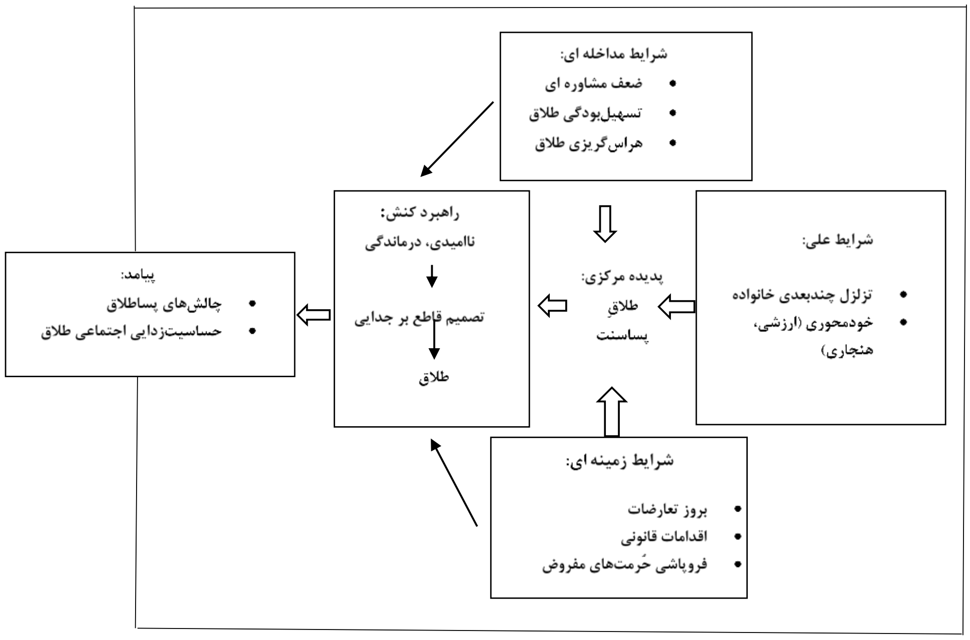
مشارکت‌کننده شماره۳: «... همین حالا هم دیگه نمی‌تونم به مردها اعتماد کنم، بعد از طلاق هم سخت خواهم تونست به ازدواج مجدد فکر کنم ... .»

۲)حساسیت‌زدایی اجتماعی طلاق که نشان می‌دهد که طلاق امری رایج شده است و در این امر، خانواده‌ها نیز فرزندان خود را همراهی می‌کنند و جامعه، دیگر همانند گذشته به پدیده طلاق نگاه نمی‌کند، بلکه طلاق به‌عنوان راه حل و نجات از بدبختی نیز دانسته می‌شود.

مشارکت‌کننده شماره ۹: «... خانوادمم خیلی حمایتم می‌کنند، برای همین، اطرافیانمم کم جرئت می‌کنند چیزی بگن؛ شایدم دلیلش اینه که چند نفر توی فامیل طلاقی داریم و درک می‌کنند که فردی که داره طلاق می‌گیره در شرایط سختی هست ... .»

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مرور مفاهیم و داده‌های مشارکت‌کنندگان، محققان را به مفهوم مرکزی طلاقِ پساسنت در الگوی پارادایمی رهنمون شد. طلاقِ پساسنت، در گویاترین تعریف، آن نوع طلاقی است که در چارچوب دلایل مرسوم طلاق که در گذشته محققان و سیاست‌گذاران اجتماعی از آن بحث می‌کردند، نمی‌گنجد. این نوع طلاق، اساساً امری زنانه و درراستای تغییرات گسترده و عمیق مشارکت‌کنندگان از مفهوم خانواده برساخته می‌شود؛ تغییرات در باورها و هنجارها، انتظارات و حقوق و موضوعاتی مانند مصرف بدن در یک جامعه مدرن. طلاقِ پساسنت، برساختی است اجتماعی از ازدواج در چارچوب سنتی و جدایی در چارچوب فراسنت‌گرایی. در سطحی گسترده‌تر، طلاق فراسنت درنتیجه تعارض و فاصله بسیار، بین الگوهای سنتی خانواده از یک سو و فهم و درک مشارکت‌کنندگان در تحقیق از این الگوها و بازسازی الگوهای جدید، از سوی دیگر به وجود می‌آید (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی پارادایمی از برساخت اجتماعی طلاق پساسنت

مطابق با شکل (۱) مقولات فروپاشی حرمت‌های مفروض، بروز تعارضات و اقدامات قانونی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای طلاق شناسایی شد که بیان‌کننده آن است که خانواده هنگامی که چارچوب خود را از دست می‌دهد و حرمت‌های اولیه به‌مرور زمان از بین می‌رود و از جانبی دیگر، با تنش‌ها و تعارضات و فشار روحی و روانی و افشای این اختلافات روبه‌رو می‌شود، فضا و بستر اقدامات قانونی مانند شکایت از یکدیگر، گرفتن حق طلاق، به اجرا گذاشتن مهریه و نفقه شکل می‌گیرد که به تشدید تعارضات می‌انجامد. زن متقاضی طلاق، می‌کوشد موانعی مانند ناراضی بودن خانواده‌ها، فرزندان و یا نبود استقلال مالی، نبود حمایت و ... را از پیش رو بردارد. درنهایت پس از طلاق با چالش‌های پساطلاق مانند مشکلات جنسی و عاطفی، سوءظن به ازدواج، درخواست‌های مکرر برای ارتباطات غیرعرفی و شرعی و مشکلات مرتبط با فرزندان

مواجه است. و در نهایت حساسیت‌زدایی اجتماعی مانند از بین رفتن قبح طلاق و افزایش حمایت خانواده‌ها برای جدایی فرزندان، باعث سرعت بخشیدن به روند طلاق می‌شود.

به صورت کلی وجه متمایز یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی صورت گرفته درباره فرایند طلاق مانند پژوهش‌های رضایی‌نسب (۱۴۰۰)، خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۹)، احدی و همکاران (۱۳۹۹)، آخوندی و همتی (۱۳۹۸)، شاه‌بختی و همکاران (۱۳۹۸) و قدرتی و حسنی (۱۳۹۴) در این است که این پژوهش به تغییرات بنیادی در علت طلاق در جامعه در حال گذار پرداخته است و همچنین به شفاف‌سازی اقدامات عملی مانند متارکه، تشکیل پرونده‌های قضایی و ... که بر روند طلاق تأثیرگذار هستند نیز اشاره کرده است و روند طلاق را شرح داده است. از سویی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر همانند وطن‌دوست و حسین‌زاده (۱۳۹۸) همسو است؛ چراکه در پژوهش آن‌ها اشاره شده است که به‌دلیل شکسته شدن قبح طلاق، وجود مشکلات ناشی از تمایل جامعه برای حل تعارضات به متخصصان روانشناس و ارجاع به روانشناس در مرحله آخر بحران تعارضات و ... باعث شده است که مشاوره چندان موفقیت‌آمیز نبوده و اثربخشی آن در سازش چشمگیر نباشد که در پژوهش حاضر به آن، در مقوله ضعف مشاوره‌ای اشاره شده است. همچنین با پژوهش بل[1] (۲۰۲۰) نیز همسو است که در آن به امور مالی و فرزندان اشاره شده است و اینکه در تصمیم‌گیری برای ماندن و تصمیم برای طلاق مؤثر هستند؛ در پژوهش حاضر اشاره شده است که ضعف امور مالی و نارضایتی فرزندان مانع طلاق هستند و معمولاً افراد برای طلاق خود به تسهیل‌سازی می‌پردازند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش فاکرل (۲۰۱۲) که در آن اشاره شده است که یک رابطه بد، راه مستقیمی برای طلاق ارائه نمی‌دهد. ازدواج، جدا از رابطه، ملاحظات و ویژگی‌های خاص خود را دارد و عوامل مختلفی همچون تأیید اجتماعی، حمایت خانواده و دوستان، فرزندان، دوستی و خاطرات مثبت با همسران و ... نیز با آن مرتبط هستند، همسو است.

1. Bell

مدل پارادایمی تحقیق، نشان‌دهنده حساسیت‌زدایی از مفهوم طلاق در بستر جامعه است. این امر نیازمند شواهد مستحکم نیست؛ چراکه با نگاهی به زیست‌بوم حیات خانواده در ایران، به‌راحتی چنین امری را می‌توان مشاهده کرد. آمار بالای طلاق، نشان‌دهنده حساسیت‌زدایی از آن شده است و نکته مهم‌تر آنکه طلاق هم در جامعه ما امری زنانه شده است. یعنی پدیده‌ای که بیشتر در تاریخ اجتماعی و خانوادگی ایران، ازسوی مردان تقاضا می‌شد، امروزه زنان بیشتر متقاضی آن هستند. غیبت مرد ایرانی از این پدیده و گمنامی وی در فرایندهای قانونی طلاق، سؤال مهمی را پیش روی سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی می‌گذارد. به‌راستی چرا مرد ایرانی کمتر دنبال اقدام به طلاق است و زمانی هم که زوجه درخواست طلاق می‌دهد، حضور نه‌چندان پررنگ وی، چه معنای اجتماعی را برساخت می‌کند؟ چرا خانواده با تزلزل چندبعدی مواجه شده است؟ این‌ها سؤالات مهمی هستند که تحقیقات حوزه خانواده بایستی به آن بپردازند؛ از سوی دیگر، تحقیق حاضر نشان می‌دهد که موضوع طلاق و درخواست آن ازسوی زنان، با علت‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است که در کنار آسیب‌های تعریف‌شده گذشته مثل اعتیاد همسر، یا نداشتن تمکن مالی و داشتن شغل و مسائلی از این دست، به مقوله تزلزل چندبعدی خانوداه مرتبط است. علت جدید دیگری با عنوان مقوله خودمحوری شکل گرفته است که روزبه‌روز از مقوله تزلزل خانواده در حال پیشی گرفتن است. به‌لحاظ نظری، یافته‌های تحقیق حاضر با نظریه‌های شبکه و مبادله سنخیت بیشتری دارد. وقتی یافته‌های تحقیق با نظریه شبکه تحلیل می‌شود، دریافته می‌شود که خانواده در حال طلاق، رابطه خود با اعضا و جامعه را گسسته است. این انفصال درون‌گروهی و اجتماعی، به شکل‌گیری یک هویت اتمی‌شده از تقاضاکننده طلاق می‌انجامد که می‌کوشد با شرایط نامتعین کنار بیاید و مهم‌ترین راهبرد در این مسیر، رسیدن به طلاق است. خانواده در حال طلاق، خانواده‌ی گسسته‌ای است که هرکدام از اعضا، نسبت خود را با وضعیت موجود و سود-هزینه منتج از این وضعیت، ارزیابی می‌کند؛ بنابراین، در چنین شرایطی، ایده‌آل‌های نظام اجتماعی رخت می‌بازند و هر فرد می‌کوشد خود را از این بحران و باتلاق رها کند. وضعیتی از بی‌شکلی، عدم تعین، فروپاشی شبکه‌های درون‌گروهی و اجتماعی،

و نارضایتی بر خانواده در حال طلاق حاکم است. از سوی دیگر، یافته‌ها درراستای نظریه مبادله نیز است. نه‌تنها زن متقاضی طلاق، بلکه فرزندان خانواده و همسر، نیز در شبکه‌ای از روابط مبادله‌ای قرار گرفته‌اند. مطابق با تحقیق، می‌توان گفت که زنان در این شبکه مبادله‌ای، خود را متضرر احساس می‌کنند و تقاضای طلاق دارند تا بتوانند سود زیست خویش را افزایش دهند. آن‌ها خود را قربانی و آسیب‌پذیر می‌دانند؛ چراکه در شبکه روابط خانوادگی امتیاز خاصی به دست نیاورده‌اند و طلاق راهی است برای به دست آوردن امتیازات، نه در خانواده، بلکه در بیرون از خانواده. با وجود این، آنچه دو نظریه مذکور به آن نپرداخته‌اند این است که طلاق، فقط در بستر شبکه روابط خانوادگی بازتولید نمی‌شود، بلکه در شبکه‌ای گسترده‌تر از مفاهیمی مثل مصرف بدن، هویت زنانه، زنانگی از یک سو و رویه‌های فمنیستی از سوی دیگر، تعریف می‌شود؛ به همین نسبت نیز، مبادله حاکم بر خانواده، امروز به لایه‌های عمیق‌تر در سطح فردی و بستری گسترده‌تر از نسبت خانواده با دیگر شئونات زندگی فرد در جامعه مربوط است. سود و هزینه طلاق به خانواده محدود نمی‌شود، بلکه به نگرش فرد به زندگی اجتماعی، مصرف بدن، امر جنسی و موضوعات دیگر مرتبط است؛ بنابراین، صورت‌بندی طلاق در معادلات جدید اجتماعی در حال تغییر است که زن از موجودی وابسته و متعلق به ساختارهای سنتی مثل خانوده و قواعد حاکم بر آن، پا را فراتر گذاشته و می‌کوشد به هر روشی که شده از همسر خود جدا شود. نوآوری تحقیق حاضر، مربوط به مضمون خودمحوری است که در آن زن، به هیچ روی نمی‌خواهد راه حلی برای مسئله طلاق خود پیدا کند؛ چراکه برای خود چارچوب جدیدی از زیست و حیات تعریف می‌کند که با چارچوب‌های سنتی خانوادگی متفاوت است. او متمرکز بر نیازهای نوظهور خود است که از اساس در چارچوب خانواده نمی‌گنجد. درواقع، وقتی چارچوب‌های رایج از علل طلاق، مبنا قرار گیرد، نوعی «بی‌علتی طلاق» براساس الگوهای سنتی ازدواج و خانواده دریافته می‌شود. طلاقِ بی‌دلیل، آن شکل از طلاق است که در چارچوب دلایل سنتی طلاق نمی‌گنجد و به فهم زن ایرانی از موضوعات نوظهوری چون زنانگی، بدن و مصرف بدن مرتبط است. سؤال مهم در تحقیق حاضر، این است که تعریف زن امروز ایرانی از خانواده

چیست و در چه صورت می‌تواند خود را براساس آن چارچوب و تعریف سامان بخشد و در چه صورتی از آن عبور می‌کند؟ انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه پیشنهاد می‌شود.

پیشنهادهای تحقیق حاضر عبات است از:

–آنچه تحقیق حاضر نتوانست به آن پی ببرد، تأثیر رسانه‌های اجتماعی است که در تحقیقات آینده ضروری است به آن پرداخته شود؛

–مطالعه درباره هویت زن ایرانی و مقوله زنانگی و اکتشاف آن؛

–مطالعه کمی و کیفی بر تأثیر نگرش‌های فمنیستی بر تغییرات ارزشی و هنجاری زنان درباره خانواده؛

–توجه سیاست‌گذاران حوزه خانواده و فرهنگ به یافته‌های تحقیق حاضر؛ چراکه ارزش‌ها و باورهای زنان درباره خانواده در حال تغییرات شتابنده است و متناسب با آن فعالیت‌های تحقیقاتی، رصد تغییرات و نیز اقدامات سیاست‌گذارانه ارائه شود.

کتابنامه

۱. احدی، ح.، عبدالهی، ا.، تاجری، ب. و حاجی علی زاده، ک. (۱۳۹۹). تدوین الگوی مفهومی عوامل شکل دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی: یک مطالعه داده بنیاد. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰ (۹۷)، ۱۲–۱.

۲. اعزازی، ش. (۱۳۸۷) *جامعه شناسی خانواده* (چاپ ششم). تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

۳. آخوندی، م.، و همتی، ف. (۱۳۹۸). مطالعه زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق (مورد مطالعه: شهر مشهد). *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، *۱۴* (۲)، ۲۹–۷.

٤. تنهایی، ا.، شکربیگی، ح.، و شکربیگی، ع. (۱۳۸۷). جهانی شدن تجددگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی). *مجله جامعه‌شناختی دانشگاه آزاد واحد آشتیان*، (۱۱)، ۳۳–۵۵.

٥. حسینی، م.، و کلانتری، م. (۱۴۰۱). *فرایند تصمیم‌گیری برای طلاق در دوران کرونا: یک مطالعه گراندد تئوری*. مقاله ارائه‌شده در کنگره علمی دانشجویان روانشناسی، علوم تربیتی و مشاوره، تهران.

۶. خجسته مهر، ر.، بهمئی، ا.، سودانی، م.، و عباس پور، ذ. (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق: یک پژوهش کیفی. *مجله دست‌آوردهای روانشناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)*، *۲۷* (۲۳)، ۴۶–۲۳.

۷. رضایی نسب، ز. (۱۴۰۰). فرایند شکل‌گیری طلاق در بین زنان مطلقه شهر ایلام. *مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)*، *۱۲* (۱)، ۳۳۲–۲۹۹.

۸. ریتزر، ج. (۲۰۰۷). *نظریه جامعه شناسی دوران معاصر* (چاپ دوزادهم) (م. ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.

۹. ساروخانی، ب. (۱۳۷۶). *طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن* (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۰. سرایی، ح. (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، *۱* (۲)، ۳۷–۶۰.

۱۱. شاه بختی ز.، شفیع آبادی ع.، حسنی، ج.، و جاجرمی، م. (۱۳۹۸). طراحی مدل مفهوم خانواده در زوجین متقاضی طلاق بر اساس نظریه داده بنیاد. *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، *۵*(۱۵)، ۲۷۸–۲۳۹.

۱۲. عباس زاده، م.، سعیدی عطایی، ح.، و افشاری، ز. (۱۳۹۴). مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته موثر بر گرایش زنان به طلاق (مورد مطالعه: زنان متاهل شهر زنجان). *پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)*، *۴* (۱)، ۴۴–۲۵.

۱۳. فاتحی دهاقانی، ا.، و نظری، ع. (۱۳۹۰) تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، (۲۵)، ۱۳–۵۴.

۱٤. فرهنگی، ع. (۱۳۷۸). *مبانی ارتباطات انسانی*. تهران: خدمات فرهنگی رسا.

۱٥. فولادیان، م.، و شجاعی قلعه نی، م. (۱۳۹۹). مطالعه جامعه شناختی فرایندهای وقوع طلاق. *خانواده پژوهی*، *۱۶* (۶۲)، ۲۵۷–۲۳۱.

۱۶. قدرتی، ح.، و حسنی، ر. (۱۳۹۴). بازسازی معنایی تجربه فرایند منتهی به طلاق در میان زنان مطلقه شهر مشهد با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی. *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، *۱۲* (۲) ، ۱۶۹–۱۹۵.

۱۷. کشاورز افشار، ح.، قنبریان، ا.، اسکندری، ن.، و سعیدی، م. (۱۳۹۸). اثر بخشی درمان مبتنی بر حضور ذهن بر کیفیت زندگی و گرایش به طلاق زوجین تازه ازدواج کرده. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۹(۲)، ۳۱-۵۲.

۱۸. مختاری، م.، میرفردی، ا.، و محمودی، ا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج. *جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۵(۵۳)، ۱۴۱-۱۵۷.

۱۹. وطن دوست، ع.، و حسین زاده، م. (۱۳۹۸). *اثر بخشی مشاوره در سازش یا عدم سازش زوجین مراجعه کننده به مراکز طلاق دراستان مازندران ۱۳۹۷*. مقاله ارائه‌شده در پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش در روانشناسی ،مشاوره وعلوم تربیتی، تفلیس، گرجستان.

20. Amato, P. R. (2001). Children of divorce in the 1990s: An update of the Amato and Keith (1991) meta-analysis. *Journal of Family Psychology*, *15*(3), 355-370.
21. Amato, P. R., & Keith, B. (2011). Parental divorce and adult well-being: A Meta-Analysis. *Journal of Marriage and Family*, *53*(1), 43-58.
22. Bell, N. K. (2020). *Considering children and finances in divorce decision-making* (Doctoral dissertation). University of Minnesota.
23. Creswell, J. W. (2012). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (4th Edition). Boston: Pearson Publication.
24. Fackrell, T. (2012). *Wandering in the wilderness: A grounded theory study of the divoce or reconciliation decision-making process* (Unpublished doctoral dissertation). Brigham Young University, Utah, United States.
25. Harris, S., Fenske, S., Baer, S., & Dick, M. (2022) The impact of identity on divorce decision-making: A grounded theory study. *Journal of Divorce & Remarriage*, *63*(6), 464-481.
26. Harris, S. M., Crabtree, S. A., Bell, N. K., Allen, S. M., & Roberts, K. M. (2017). Seeking clarity and confidence in the divorce decision-making process. *Journal of Divorce & Remarriage*, *58*(2), 83-95.
27. Lavner, J. A., & Bradbury, T. N. (2012). Why do even satisfied newlyweds eventually go on to divorce? *Journal of Family Psychology*, *26*(1), 1-10.
28. Strauss, Anselm, L. & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. London. Sage.